



واژگان کلیدی

- نشانه‌شناسی
- پدیدارشناسی
- دریافت حسی
- ادراکی
- کفتمان
- تجربه
- پنداری

رابطه نشانه‌شناسی با پدیدارشناسی با نمونه‌ای تحلیلی از گفتمان ادبی - هنری

دکتر حمیدرضا شعیری
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

پدیدارشناسی هوسرل سعی دارد تا ما را متوجه این نکته سازد که چیزها حضوری مستقل و خارج از انسان ندارند. در چنین نظامی، مفهوم واقعی چیزها تابع دریافتی است که ما در عمل ارتباط از آنها داریم. نظام پدیدارشناختی هوسرل درصدد است تا ما را متوجه «اصل چیزها» کند. و چنین امری با رجعت به آنچه که «جوهر» چیزها نامیده می‌شود به دست می‌آید. بدیهی است که در این حالت، نوع رابطه حسی - ادراکی که ما با چیزها برقرار می‌کنیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه دریافت ما از آنها بدون پیش شرط شناختی صورت می‌گیرد.

با توجه به همین دریافت حسی - ادراکی است که نشانه‌شناسی صورت‌گرا و ساختارگرا جای خود را به نوعی نشانه - معناشناسی وجودگرا و هستی‌مدار می‌دهد که دیگر نشانه را امری مکانیکی و تابع رابطه‌ای متقابل بین دال و مدلول نمی‌داند، بر این اساس، دیگر نشانه‌شناسی متکی به ذات خود نیست، چراکه دیدگاه پدیداری در مطالعات مربوط به نشانه سبب می‌شود تا نشانه، نه آن‌گونه که هست، بلکه آن‌گونه که ما آن را دریافت می‌کنیم، آن‌گونه که می‌تواند باشد و با توجه به موقعیت انسان در بافت پدیداری، معنا یابد، و ما چنین تحولی را مدیون آنچه که گرمس آن را نقصان «وجودی» معنا می‌نامد هستیم. برای جبران این نقصان وجودی است که گفتمان به محل تجربه پدیداری و فوری کنش‌گر از چیزها آن‌گونه که بر او تجلی می‌یابند، تبدیل می‌گردد. در واقع، هدف اصلی از ارائه این مقاله، تبیین جایگاه پدیدارشناسی در مطالعات مربوط به نشانه و نقش آن در تحول نشانه‌شناسی کلاسیک به نشانه - معناشناسی سیال و حسی - ادراکی است.